روزی مبارک برای آمدن آزادگان به میهن

خاطرات یک خبرنگار - ۲۶ مرداد ۱۳۶۹

برای نسل من، هشت سال جنگ تحمیلی رژیم بعثی عراق نه یک واقعه، که از دل آن هزاران هزار خاطره بیرون آمده است، که ما با آن زندگی کردیم، بزرگ شدیم و حتی هویت یافتیم.

جنگ همه‌اش خاطرات تلخ نبود، از دل آن درس‌ها و پندهایی برای فردی چون من بیرون آمد که اگر خوب آن‌ها را می‌دیدم و یا حتی اگر آن‌هایی را که هنوز هم وجود دارد و می‌شود نشانه‌هایی از آنها یافت، ببینم، همه وجودم را متحول می‌کرد. یکی از آن خاطرات همیشه در یاد من ماندنی، در ۲۶مرداد سال ۱۳۶۹ رقم خورد، روزی که نخستین گروه ازآزادگان سربلند از صد دام رستند و من دیدم، مردان مردی را که همیشه عمرم، سرم را به جهت افتخارهایی که آنها برایم کسب کردند، بالا می‌گیرم.

وصف احوالات من و دوستانم در آن روز برایم حتی همین الان هم بسیار دشوار است. بعد از آزاد سازی خرمشهر، این روز از معدود روزهایی بود

که از ابتدا تا انتهای آن برنامه خبری را با شور و نشاط خاصی پوشش می‌دادیم. تیم ما را دوستانی از تهران و همکاران داوطلب از مراکز ایرنادر چند شهر از جمله مشهد و عزیز از دست رفته ما در کرونا « عباس امیریان» تشکیل می‌دادند. ماموریت ما پوشش ورود آزادگان به کشور بود. شب قبلش به کرمانشاه رفتیم. زنده یاد «علیرضا خزایی» رئیس وقت ایرنا مرکز کرمانشاه همه هماهنگی‌ها را برای رفتن ما به نوار مرزی صورت داده بود، اما کافی نبود و ما باید در آن روز پر از نشاط و شادی که نیروها هم به جهت احتمال رخنه دشمن بعثی و مزدوران منافق، مراقبت‌های خود را تشدید کرده بودند، هماهنگی‌های به علاوه‌ای را صورت می‌دادیم. تا قصر شیرین مشکل عمده‌ای نبود. چند دژبانی را رد شدیم و برگه‌های ماموریت ما و کارت‌هایی که به همراه داشتیم، کافی بود. از آنجا به بعد بود که مشکل پشت مشکل، مسأله پشت مسأله...

نیروهای عراقی هنوز در خاک ما بودند و ما برای رفتن به نوار مرزی باید از میان آن‌ها رد می‌شدیم. نیروهای سازمان ملل هم در منطقه مستقر بودند. چند بار مامورین خودی مانع رفتن ما به مرز شدند و یکی دوبار هم نیروهای سازمان ملل را بهانه کردند که ما هم هر بار پارتی‌ای چیزی تراشیدیم و خلاصه آنقدر رفتیم و رفتیم تا جایی رسیدیم که دیگر تا مرز فاصله نبود و نیروهای عراقی کاملا در آن مستقر و امکان پیشروی نداشتیم.

علی فریدونی همکار عکاسم روی سقف ماشین ضرب گرفته بود و یک آواز پراز شعار عراقی را با تغییراتی معنایی و مفهومی - فرض کنید پر از فحش و پر از نیش و کنایه خطاب به صدام - می‌خواند و عراقی‌ها که نمی‌فهمیدند او چه می‌گوید فقط چون اسم صدام را می‌شنیدند، لذا دست خود را به نشانه تشکر تکان می‌دادند!

فرمانده سیاه چهره و سبیل گنده عراقی که روی شانه‌هایش پر از انواع نشان نظامی بود، با یک مشت سرباز واقعا خسته و از پای افتاده جلوی ما را گرفته بود. حالا بین ما چند نظامی ارشد هم بودند. سردار قربانی یکی از آنها بود. آن زمان هنوز در سپاه درجه رسم نشده بود. فرمانده عراقی می‌گفت که اسرای ایرانی را در خاک ایران تحویل می‌دهیم و یادم هست که سردار قربانی چنان به او توپ و تشر زد که او سرجایش نشست. به او قواعد کار براساس کنوانسیون ژنو را تذکر داد و من هم آنرا ترجمه کردم و به علاوه یکی دوبار آن فرمانده سبیل گنده وقتی صدایش را بلند کرد، به او گفتم؛هیس ! می‌دانی که دارای با کی صحبت می‌کنی؟ و بعد برایش توضیح دادم که او سردار قربانی است و در جنگ چه‌ها کرده و او هم ظاهرا سردار را می‌شناخت، ساکت شد.

بعد از کلی صحبت عراقی‌ها رضایت دادند که ایرانی‌ها برای نظارت بر انتقال آزادگان به مرز نزدیک شوند. در این جا باید بگوییم وقتی در آن ساعت اول صبح داشتیم قصر شیرین را ترک می‌کردیم، دسته نظامیان را دیدم که برای

***اولین آزاده‌ای که به خاک ایران پا گذاشت همان نقطه صفر مرزی به زمین افتاد و خاک وطن را بوسید**

اجرای سرود به افتخار آزادگان درحالت خبردار ایستاده بودند.

براساس برنامه‌ریزی‌ها! آزادگان باید در ساعات اول روز وارد خاک ایران می‌شدند و بعد به قصرشیرین می‌آمدند و در آنجا توسط مرحوم دکتر حبیبی معاون اول وقت رئیس جمهوری استقبال می‌شدند. به افتخار آنها سرود ملی نواخته می‌شد و چه و چه - تلویزیون هم بر همین اساس بود که ساعت ۱۴:۰۰ آن روز در یک گاف خبری بزرگ! از ورود اولین گروه آزادگان به کشور خبر داد درحالی که در آن ساعت حتی یک اسیر از دو طرف مبادله نشده بود ! این کار صداو سیما باعث شد تا یقه ما گیر مسئولین حاضر در محل بیفتد و ما هم کلی زحمت کشیدیم و یک به یک را قانع کردیم که برادر ما از ایرنا، خبرگزاری جمهوری اسلامی هستیم ونه از صدا و سیما.

القصه! وقتی به مرز رسیدیم، چادرهایی را دیدم که برافراشته بودند و در گرداگرد همه آن‌ها سربازان عراقی تماما مسلح ! و افراد صلیب سرخ و سازمان ملل که با نشان‌های خودشان دائما در رفت و آمد بودند.

اولین آزاده‌ای که ما را دید به یکباره تکبیر سر داد و بدنبال آن سرها بود که از لابلای چادرها بیرون آمد و فضای منظریه - نقطه مرزی ایران و عراق را به لرزه در آورد. اشک امانم نمی‌داد. آنقدر چشم‌هایم را با آستین پیراهنم پاک کرده بودم که کاملا فرصت نمی‌یافت حتی در آن گرمای شدید منطقه خشک شود. آزاده‌ای به یکباره فریاد کشید: درود بر خمینی(ره)، سلام بر خامنه‌ای و دست برد

زیر پیراهنش و عکسی از امام را که روی پارچه‌ای کشیده بود بیرون آورد و در هوا تکان می‌داد. عراقی‌ها خیلی سعی کردند آنرا از او بگیرند ولی بیم داشتند که به واکنشی ازسوی آزادگان ایرانی آن‌هم در حضور نیروهای سازمان ملل و صلیب سرخ منتهی شود.

اوایل عصر بود که صلیب سرخ شروع به معاینه آزاده‌ها ایرانی و اسرای عراقی برای مبادله کرد. همان قدم اول چند اسیر عراقی گفتند که نمی‌خواهند برگردند و به ایران پناهنده شدند. صلیبی‌ها هر چی از آزاده‌های ایرانی پرسیدند و پیشنهادهایی را هم مطرح کردند آن‌ها یک صدا و جملگی گفتند که نه! خواهان بازگشت به ایران هستند.

اولین آزاده‌ای که به خاک ایران پاک گذاشت همان نقطه صفر صفر مرزی به زمین افتاد و خاک وطنم را که جانم فدای آن و او، دلاور مرد دوران باد، بوسید. بعدی و بعدی هم همینطور، خدا گواه است که زمین از اشک آن‌ها خیس شده بود. سربازانی عراقی که تحویل می‌شدند، ای! بعضی‌ها یک صدامی می‌گفتند و می‌رفتند و سوار اتوبوس می‌شدند. عراقی‌ها خیلی کم آورده بودند همان جا و جلوی ما و البته قبل از آنکه روی نوار دوربین‌های خبری ضبط شود، چند نفری از اسرایشان را وادار کردند که به زمین بیفتند و خاک کشورشان را بوس کنند.

تحویل اسرا و آزادگان ساعت‌های زیادی طویل کشید اولین گروه آزادگان ایرانی دم عصر بود که سوار اتوبوس راهی قصر شیرین شدند. اینجا بود که حالا دیگر کردهای غیور ایرانی اجازه عبور اتوبوس‌ها را نمی‌دادند. قدم به قدم کردها صف کشیده بودند و جلوی اتوبوس‌ها دست در دست هم رقص کردی می‌کردند و بنا بر سنت کردی با آب و برنج به استقبال آزادگان آمده بودند. همه نظم مراسمی که از صبح برای آن برنامه‌ریزی شده بود، بهم خورد. ساعت‌ها طول کشید تا اولین اتوبوس به قصر شیرین برسد.

بعد از آن تا روزها کارما گزارش بازگشت آزادگان بود. به بسیاری از خانواده‌ها با تلفن خبر بازگشت فرزندانشان را دادیم.

یک سال بعد از در ورودی ایرنا اطلاع دادند که فردی از اصفهان به دیدن شما آمده است. با او تلفنی صحبت کردم.گفت که تو همان کسی هستی که خبربازگشت پسر من را دادی و من بعد از یک سال پرس و جو آدرس تو را پیدا کردم و حالا برای تو شیرینی آن خبر خوش را آورده ام. آن گز اصفهان شیرین‌ترین شیرینی همه عمر من بود.

***رئوف پیشدار**
استاد دانشگاه و روزنامه نگار

نوجوان سیزده ساله

خاطرات آزاده مهدی طحانیان

قسمت (۷۰)

علی رحمتی پنجاه سال داشت و علی‌اللهی بود و شده بود ارشد آسایشگاه. می‌گفتند اسرای حزب اللهی روی شخصیت او کار کرده بودند تا از مسلک باطل خود دست کشیده و توبه کرده بود، قدری هم سبیل‌هایش را کوتاه کرده بود. اما همچنان سبیلش از سبیل عراقی‌ها کلفت‌تر بود. از صبح تا شب به تک تک آسایشگاه‌ها سر میزد و سخنرانی می‌کرد که:

بله آقایان! وظیفه من است از شما مثل بچه هایم مراقبت کنم. دوست دارم این ایام اسارت به شما خیلی سخت نگذرد. اسارت به خودی خود فشار آور است کاری نکنیم که این فشار از طرف دشمن چند برابر شود و بزنند ناقصمان کنند یا آب و غذای حداقلی‌مان را قطع کنند. بیایید حالا که دشمن تا این حد مهربان و منطقی شده که می‌گوید وقتی خبرنگار آمد فقط کافی است شماها حرف نزنید، به خواسته‌اش عمل کنیم. عراقی انتظار ندارد در مقابل چشم جهانیان، ضد مملکت و رهبر مان صحبت کنیم. اگر شماها بچه‌های خوبی باشید، دست من هم باز است تا از عراقی‌ها برایتان درخواست امکانات بیشتر بکنم. شماها جوان و در سن رشد هستید، این تغذیه برای شما کافی نیست. باید کاری کنم عراقی‌ها قبول کنند به شما غذای بهتر و باکیفیت‌تری بدهند.»

او مدام روی سلامتی و تغذیه بهتر تأکید می‌کرد؛ دو موضوعی که اصلا دست ما نبود و همه تلاشمان این بود که به آن کمتر توجه کنیم. او خبر نداشت اگر سرهنگ محمودی - که از بدو ورودم به رمادی متوجه ارتقا درجه‌اش شده بودم - استراتژی تازه‌ای اتخاذ کرده و مهربان شده و فقط از ما می‌خواهد حرف نزنیم، به این دلیل است که مبارزه ما را علیه خواسته‌هایش دیده است و می‌داند حتی اگر ما را بکشد، علیه رهبر و مملکتمان حرفی نمی‌زنیم. به همین دلیل من و خیلی از بچه‌های حزب اللهی با حرف‌های او موافق نبودیم.

در فاصله دو ماه آن قدر روی این موضوع تأکید شد که هنگام آمدن خبرنگارها کسی حرف نزند و اگر چیزی بگوید خونش گردن خودش است و رفتار او باعث می‌شود کل اردوگاه تنبیه شود، که سایه رعب و وحشت بر همه جا مسلط شد. ارشدها و حتی بچه‌های حزب اللهی‌ها هم متقاعد شدند و سفت ایستادند که اگر خبرنگارها آمدند هیچ کس حق حرف زدن و پاسخ دادن به سؤالاتشان را ندارد. فضایی در آسایشگاه‌ها به وجود آمده بود که اگر کسی خلاف این عمل می‌کرد و جلوی خبرنگارها حرف می‌زد، نه تنها عراقی‌ها را با خودش طرف می‌کرد، بلکه از میان دوستان خودش هم تا حدودی دچار مشکل می‌شد...

بیشتر بچه‌هایی که در اردوگاه رمادی بودند، تجربه اسارت نداشتند و نمی‌دانستند اوضاع چگونه است و عراقی‌ها چه قصد و نیتی را دنبال می‌کنند. به همین دلیل عده‌ای از ما که از عنبر آمده بودیم و حداقل یکسال و نیم سابقه اسارت داشتیم، وظیفه خودمان می‌دیدیم بچه‌ها را در جریان آمدن خبرنگارها بگذاریم. بنابراین، با بچه‌ها حرف زدیم و گفتیم: «بدانید که ما برای حق می‌جنگیم و عراقی‌ها برای باطل. آنها از ابتدای اسارت با نادیده گرفتن حداقل امکانات رفاهی و درمانی و تغذیه خواسته‌اند حواس و درخواست ما را روی مسائل مادی و نظایر آن متمرکز کنند تا با این شیوه، دست و پای ما را ببندند. اما بدانید اگر به این نیازها تن بدهیم و مدام به فکر تأمین معیشت و یا سلامت خودمان باشیم تا مبادا از طرف دشمن صدمه ببینیم، به ورطه‌ای می‌افتیم که دشمن خواسته است. اگر اسارت واقعی خودمان را به دشمن نشان ندهیم، او به خواسته‌های مادی ما تن نمی‌دهد. اینجا هم مثل میدان جنگ باید از جان گذشته باشیم تا بتوانیم مقابل عراقی‌ها قد راست کنیم.» گفتیم: «شماها نباید اجازه فیلمبرداری و عکس گرفتن به خبرنگارها بدهید.

ادامه دارد...

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص آب منطقه ای هرمزگان به شناسه ملی ۱۰۸۰۰۰۰۹۹۵۹ و به شماره ثبت ۱۴۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد سازمان حسابرسی به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۳۶۳۳۲ به سمت حسابرس مستقل و بازرس اصلی برای یک سال مالی انتخاب گردیدند . ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۴۰۳/۱۲/۳۰ مورد تصویب قرار گرفت. روزنامه جمهوری اسلامی جهت نشر آگهی های شرکت تعیین گردید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان هرمزگان
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری بندرعباس (۱۹۸۶۵۵۶)

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص ابنیه گستر به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۴۱۸۷۰ و به شماره ثبت ۸۹۸۱۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد آرمان آروین پارس به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۵۳۸۹۵۳ به سمت بازرس اصلی تا پایان سال مالی آقای سعید پازوکی به شماره ملی ۶۵۸۹۹۱۱۶۵۷ به سمت بازرس علی البدل تا پایان سال مالی انتخاب گردیدند روزنامه کثیرالانتشار جمهوری اسلامی جهت نشر آگهی‌های شرکت تعیین گردید. ترازنامه و صورت های مالی منتهی به ۱۴۰۳/۱۲/۳۰ تصویب گردید

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۱۹۸۶۸۹۰)

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده (سالیانه نوبت دوم) شرکت تعاونی مسکن شماره ۴ کارکنان وزارت کشور به شماره ثبت ۳۰۹۶۳۷

تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۰۵/۲۸

با توجه به عدم رسمیت جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده (نوبت اول) در تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۰ بدینوسیله از کلیه اعضای محترم شرکت تعاونی مسکن شماره ۴ کارکنان وزارت کشور به شماره ثبت ۳۰۹۶۳۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۴۹۶۷۴۳ دعوت می شود تا درجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده (سالیانه نوبت دوم) تعاونی مذکور که در روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۲ ساعت ۹:۳۰ الی ۱۱:۳۰ در محل سالن الغدیر واقع در خیابان فاطمی، ساختمان وزارت کشور بصورت حضوری برگزار میگردد، حضور به هم رسانند. چنانچه حضور عضوی در مجمع میسر نباشد از روز انتشار آگهی در وقت اداری میتواند جهت ارائه وکالت به شخص دیگری به منظور حضور در مجمع و اعمال رای تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۰ در محل دفتر تعاونی به همراه موکل بصورت همزمان حضور پیدا کرده و وکالتنامه را به امضا و تائید نماینده هیئت مدیره(احدی از اعضای هیئت مدیره) برساند بموجب ماده ۱۹ آئین‌نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی هر عضو و غیر عضو میتواند تنها وکالت یک عضو دیگر را بپذیرد.

دستورات جلسه: ۱ - استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس. ۲ - طرح و تصویب صورتهای مالی سال ۱۴۰۳ و بودجه سال ۱۴۰۴ ۳ - انتخاب بازرس قانونی اصلی و علی البدل شرکت. ۴ - طرح و تصویب اخذ وام از بانکها و موسسات مالی و اعتباری جهت ساخت واحدهای مسکونی برای اعضاء و سهامداران. ۵ - طرح و تصویب دستورالعمل حقوق و مزایا و حق جلسه هیئت مدیره. ۶ - طرح وتصویب پاداش هیئت مدیره، بازرس و کارکنان شرکت تعاونی.

هیئت مدیره شرکت تعاونی مسکن شماره ۴ کارکنان وزارت کشور

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص آژند شفا طب به شناسه ملی ۱۴۰۱۱۴۷۹۴۸۷ و به شماره ثبت ۶۰۱۴۱۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد نام شرکت از آژند شفا طب به آژند شمس آرا تغییر یافت و ماده مربوطه دراساسنامه اصلاح گردید. موضوع فعالیت شرکت به شرح ذیل می باشد و ماده مربوطه دراساسنامه اصلاح گردید. عقد قرارداد با ساتبا و اداره برق و وزارت نیرو در کل و جزء و اخذ مجوزات لازم و عقد قراردادهای لازم و دادن تعهدات لازم جهت تاسیس و بهره برداری نیروگاه های تجدید پذیر خورشیدی ، ابی و سیکل ترکیبی، و فروش برق تولیدی نیروگاه ها به ساتبا و وزارت نیرو و فروش در بورس انرژی و فروش به صورت صادراتی برق و واردات و صادرات کلیه تجهیزات و ملزومات نیروگاه های تجدید پذیر خورشیدی ، بادی و سیکل ترکیبی و پزشکی و پیرا پزشکی، تجهیزات بیمارستانی و آزمایشگاهی، جراحی ، بیهوشی، داروهای بیلوژیک نظیر سرم و واکسن و و فراورده های آزمایشگاهی و مواد غذایی و مواد بهداشتی ارایشی پس از اخذ مجازات لازم ، ایجاد نمایندگی داخلی و بین‌المللی، و عملیات بارگیری تخلیه و ترخیص آنها از گمرکات جمهوری اسلامی، و ثبت سفارش آنها در بازار بین‌المللی، افتتاح حساب‌های بین‌المللی ، دریافت و عقد قراردادهای مربوط به ارز نیمایی ، عقد قرارداد با بانک ها و موسسات مالی و صندوق توسعه ملی و صندوق امید جهت دریافت وام تحت هر شکل و عنوان ، تاسیس کارخانه جات تولید و توسعه تجهیزات نیروگاه های برقی و تجهیزات پزشکی و ارایشی و بهداشتی و مواد اولیه دارو و بهداشتی و ارایشی پس اخذ مجوز ، صادرات و واردات تجهیزات پزشکی و پیراپزشکی پس از اخذ مجوز های لازم ، صادرات و واردات مواد غذایی و میوه جات و سبزی جات و خشکبار پس از اخذ مجوز های لازم ، صادرات و واردات دارو و داروهای گیاهی پس از اخذ مجوز های لازم ، صادرات و واردات و تهیه و تولید صنایع دستی پس از اخذ مجوز های لازم ، واردات و صادرات سموم کشاورزی و کنجاله پس از اخذ مجوز ها ، واردات و صادرات و خرید و فروش توتون و تنباکو پس از اخذ مجوز ، واردات و صادرات و خرید و فروش بذر و پیاز و قلمه و پیوند و ریشه و میوه و نهال و تخم نباتات پس ازاخذ مجوز ،انجام کسب و کارهای نوپا که برای حل یک مشکل خاص با رویکرد خلاقانه تمرکز دارند و اغلب در فناوری فعال‌اند، ارایه ی خدمات و اجرا راجع به ابرسانی و گاز رسانی و برق رسانی صنعتی و فشار قوی و خانگی پس از اخذ مجوز و عملیات عمرانی و اجرای ابنیه به هر شکل ، احداث ساختمان ، راه پس از اخذ مجوز و وارادت و صادرات تجهیزات ساختمانی پس از اخذ مجوز ، خدمات درمانی و پرستاری و فیزیوتراپی و کاردرمانی و تزریقات و زیبایی پس از اخذ مجوز ، فعالیت و ارایه در زمینه ی هوش مصنوعی ، شرکت در نمایشگاه های داخلی و خارجی،

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۱۹۸۶۹۰۹)

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص بازاریابی شبکه‌ای مروارید پنبه ریز به شناسه ملی ۱۰۱۰۴۰۰۲۲۵۷ و به شماره ثبت ۳۵۲۳۰۶

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۳ و به استناد مجوز شماره ۵۶۶۲۹۶۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۹ وزارت صنعت معدن تجارت تصمیمات ذیل اتخاذ شد آقای عباس عباسی زاد به شماره ملی ۰۱۱۱۴۱۳۱۶۸ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۶/۰۳/۰۳ شرکت گروه صنعتی وطن زرین مروارید آسیا به شناسه ملی ۱۴۰۰۴۷۱۴۱۰۵ به نمایندگی محمد وطن دوست به شماره ملی ۰۰۷۹۲۹۱۹۰۲ به سمت رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۶/۰۳/۰۳ آقای کریم دوست محمدی به شماره ملی ۶۳۴۹۶۹۴۱۲۰ به سمت مدیرعامل تا تاریخ ۱۴۰۶/۰۳/۰۳ و به سمت عضو اصلی هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۶/۰۳/۰۳ انتخاب گردیدند کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، و کلیه قراردادها و عقود اسلامی با امضاء ۲ نفر از ۳ نفر اعضاء هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می باشد و همچنین کلیه اوراق عادی شرکت با امضاء مدیرعامل منفردا همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۱۹۸۶۹۰۸)

آگهی تغییرات موسسه غیر تجاری اتحادیه صنف فروشندگان مصالح ساختمانی ابزار و یراق آلات شهرستان املش به شناسه ملی ۱۴۰۰۵۹۸۷۱۶۵ و به شماره ثبت ۳۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۶ وباستناد مجوز شماره ۱۳۱/۲۱/۳۲۰ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۱۲ صادره ازاداره کل صنعت ، معدن وتجارت استان گیلان تصمیمات ذیل اتخاذ شد اعضای هیات مدیره بشرح ذیل با ذکر سمت انتخاب شدند . حسین عظیمی صوفی به کدملی ۰۰۷۱۹۷۴۱۹۹ به سمت رییس اتحادیه و محمد حسن زاده به کدملی ۶۳۰۹۲۳۴۶۸۴ به سمت نایب رییس اول اتحادیه و عسکر احسان پور به کدملی ۶۳۰۹۷۵۵۵۳۶ به سمت نایب رییس دوم اتحادیه و فرزاد غلامی به کدملی ۶۳۰۰۰۱۸۴۷۴ به سمت خزانه دار اتحادیه و رقیه برومند به کدملی ۲۶۸۰۰۶۲۹۹۱ به سمت دبیر اتحادیه و محسن یومی به کدملی ۰۰۶۷۳۷۴۶۸۹ به سمت عضو علی البدل اول و حسن جعفری به کدملی ۶۳۰۹۳۸۶۲۹۸ به سمت عضو علی البدل دوم هییت مدیره برای مدت چهارسال انتخاب شدند ، محمد مرادی به کدملی ۶۳۰۹۲۰۰۹۵۹۳ به سمت بازرس اصلی و ناصر نوایی به کدملی ۶۳۰۹۲۰۲۲۵۱ بعنوان بازرس علی البدل اتحادیه برای چهارسال انتخاب شدند. حق امضای اسناد و اوراق مالی اتحادیه مانند چک ها، بروات ، سفته ها ، اسناد تعهداور مالی با امضا رئیس اتحادیه و خزانه دار و درغیاب هریک نائب رئیس اول و ممهور به مهر اتحادیه معتبر می‌باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گیلان
مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری املش (۱۹۸۶۱۸۴)

آگهی ابلاغ کارگاه / شرکت نوین پیشتاز اطلس

باتوجه به درخواست بازنشستگی پیش از موعد سید علیرضا نجفی در کارهای سخت و زیان آور که در جلسه کمیته بدوی استانی مورخ ۱۴۰۴/۲/۲۳ این اداره کل مطرح شده ، شغل راننده از تاریخ ۹۱/۱۰/۱ لغایت ۹۱/۱۲/۳۰ مورد تایید قرار گرفته است. لذا مطابق با تبصره ۵ ماده ۸ تصویب نامه هیئت محترم وزیران، رأی مذکور ظرف مدت ۱۵ روز اداری از تاریخ ابلاغ نامه با ارائه تقاضای کتبی (فرم شماره ۴) قابل تجدید نظر خواهی می باشد و در غیر این صورت رأی مذکور قطعی و لازم الاجراست.

اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان بوشهر

آگهی دعوت از بستانکاران شرکت فنی و مهندسی ارمغان گستران زمین (درحال تصفیه) سهامی خاص به شماره ثبت ۳۸۱۸۹۱ شناسه ملی ۱۰۳۲۰۳۲۳۰۲۲ (نوبت سوم)

اگهی دعوت از بستانکاران شرکت فنی و مهندسی ارمغان گستران زمین (درحال تصفیه) سهامی خاص به شماره ثبت ۳۸۱۸۹۱ شناسه ملی ۱۰۳۲۰۳۲۳۰۲۲ دراجرای ماده ۲۲۵ اصلاحیه قانون تجارت از کلیه بستانکاران شرکت فنی و مهندسی ارمغان گستران زمین (درحال تصفیه) سهامی خاص به شماره ثبت ۳۸۱۸۹۱ شناسه ملی ۱۰۳۲۰۳۲۳۰۲۲ که اگهی انحلال آن درصفحه ۱۲ روزنامه رسمی کشور شماره ۲۲۵۸۴ مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۱۱ درج گردیده است دعوت به عمل می آید تا ظرف مدت حداکثر شش ماه از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول با ارائه مدارک مثبته ادعای خود به مدیرتصفیه آقای محمدمهدی ندیمی به شماره همراه ۰۹۱۲۶۱۲۷۶۱۰ مستقر در آدرس: استان تهران ، شهرستان تهران ، بخش مرکزی ، شهر تهران، محله خاک سفید ، خیابان شهید ابوالفضل نقدی ، خیابان شهید محسن فکری(شریف) ، پلاک ۴۸ ، طبقه همکف کدپستی: ۱۶۵۷۶۵۷۷۱۱ مراجعه نمایند. بدیهی است شرکت و مدیرتصفیه در مورد هرگونه ادعای احتمالی که خارج از مدت فوق به شرکت منعکس گردد مسئولیتی نخواهند داشت.

مدیرتصفیه شرکت فنی و مهندسی ارمغان گستران زمین سهامی خاص
آقای محمدمهدی ندیمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی نوبت دوم

برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۱۰۱۲۰۰۸۶۷۸ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۶ هیأت موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ساوجبلاغ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی عباسعلی خرقانی فرزند یدالله به شماره شناسنامه ۱۵۰ کدملی ۴۸۹۸۱۸۷۰۴۸ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی (گاوداری) به مساحت ۱۱۱۷۰ مترمربع از پلاک ۲۶ فرعی از ۱۱۲ اصلی از مالکیت نوشین فخریه ذیل صفحه ۵۴ دفتر ۶ واقع در قنبرآباد حوزه ثبت ملک ساوجبلاغ استان البرز تایید و رأی هیئت صادرگردیده. نوع کاربری ملک دامداری می‌باشد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات و پس از طی تشریفات قانونی سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی ۱۹۷۷۲۸۴

بشیر نعیم‌زاده
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ساوجبلاغ

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص کاویان کاران سیلیس آرا به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۶۴۷۴۹۵ و به شماره ثبت ۳۲۵۲۳۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد موسسه حسابرسی و خدمات مالی فاطر به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۸۸۵۷۴ به سمت بازرس اصلی تا پایان سال مالی موسسه حسابرسی و خدمات مالی و مدیریت ایران مشهود به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۲۲۹۷۳ به سمت بازرس علی البدل تا پایان سال مالی انتخاب گردیدند روزنامه کثیرالانتشار جمهوری اسلامی جهت نشر آگهی های شرکت تعیین گردید. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۴۰۳/۱۲/۳۰ مورد تصویب قرار گرفت.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۱۹۸۶۸۸۹)